

Abu'l - Qasem Ferdousi. *Rostam. Die Legenden aus dem Schahname*. Aus dem Persischen übersetzt und herausgegeben von Jürgen Ehlers. Stuttgart: Philipp Reclam jun., 2002.

● رستم، داستانهایی از شاهنامه ● گردآورنده و مترجم: گرهارد اِلس ● انتشارات رکلام ● اشتوتگارت، ۲۰۰۲، ۴۰۵ صفحه

این کتاب ترجمه بخشهایی از شاهنامه به نثر است که با داستان زال آغاز می شود و در انتها به رستم و شغاد می رسد. علاوه بر متن اصلی، کتاب حاوی پیشگفتاری مختصر درباره شاهنامه و بخشهای ویژه نامه، راهنمای تلفظ واژگان فارسی و پی گفتاری مفصل است.

مترجم در پیشگفتار با تاکید بر اهمیت شاهنامه به عنوان «یکی از بزرگترین حماسه های جهانی» به این نکته اشاره می کند که این اثر در خارج از ایران چندان شهرت ندارد و این در حالی است که تاکنون با در نظر گرفتن ترجمه حاضر، «بیست و نه ترجمه» از شاهنامه به زبان آلمانی صورت پذیرفته است<sup>۱</sup> بعد مترجم ادعا می کند که این اثر کاملترین ترجمه منتشر به زبان آلمانی

۱- رزمجو، حسین. قلمرو ادبیات حماسی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

Abū'l-Qāsem Ferdausi

Rostam

Die Legenden  
aus dem *Šāhnāme*

Aus dem Persischen  
übersetzt und herausgegeben  
von Jürgen Ehlers

Philipp Reclam jun.  
Stuttgart

است و با اشاره به حجم شاهنامه و ویژگیهای ادبی و اسطوره‌ای عنوان می‌کند که بازآفرینی این اثر به نظم به دلیل قالب شعری آن بسیار دشوار است و به همین دلیل نیز مترجم کوشیده است تا صورخیال و ظرافتهای متن اصلی را در قالب نثر حفظ کند. بی‌شک در این راه، همان گونه که مترجم عنوان می‌دارد، حمایت‌های دکتر جلال خالقی مطلق نیز بسیار مهم بوده است.

متن ترجمه شامل بخشهای زیر است: داستان زال، رخش، هفت خوان رستم، رستم و هفت گردان در شکارگاه افراسیاب، رستم و سهراب، سیاوش، نبرد با افراسیاب، دیو اکوان، بیژن و منیژه، مرگ خسرو، اسفندیار و رستم و شغاد. با توجه به عدم انتقال قالب شعری، مترجم تمامی دقت خود را صرف حفظ مفاهیم، صورخیال، تشبیهات و کنایات شاهنامه می‌کند و در این راه وسواس بسیاری به خرج می‌دهد و در نهایت از این دیدگاه بسیار موفق است.

بعد از متن اصلی واژه‌نامه که در برگرفته‌ی اسامی خاص شخصیت‌هایی همچون افراسیاب، گشتاسب، ارجاسب، بهمن و اسفندیار است، می‌آید و در عین حال اسامی جغرافیایی همچون البرز، اهواز، آمل، هیرمند و مازندران و شخصیت‌های افسانه‌ای همچون دیو، سیمرغ، همای و پری شرح داده می‌شود.

# BEITRÄGE ZUR IRANISTIK

Herausgegeben von Georges Redard

Band 16

Jürgen Ehlers

## Die Natur in der Bildersprache des Šāhnāme

WIESBADEN 1995  
DR. LUDWIG REICHERT VERLAG

۳۲۲

در پی گفتار، مترجم ابتدا به زندگی شاعر و دوره او می‌پردازد و لفظ دهقان و اهمیت آن را بررسی می‌کند و بعد اشاره‌ای به تاریخچه سرودن شاهنامه، دستنوشته‌ها و نسخه‌های چاپ شده و ترجمه‌های شاهنامه به دیگر زبانها می‌شود. مطابق معمول در این قسمت نام دقیقی هم به میان می‌آید و مترجم با صراحت قید می‌کند که این شاعر زرتشتی بوده است، هر چند سالها پیش از او هانس هاینریش شیدر، ایران‌شناس آلمانی، به این نکته اشاره کرده که با توجه به آگاهیها و دانسته‌های دقیقی از دین زرتشت نمی‌توان او را زرتشتی دانست<sup>۱</sup>.

الرس در ادامه از زحمات بیست ساله فریتس ولف در رایه فرهنگ شاهنامه فردوسی<sup>۲</sup> یاد می‌کند و توضیحاتی درباره نسخه‌های مختلف شاهنامه و به خصوص اثر دکتر جلال خالقی مطلق و پیشگفتار دکتر احسان یارشاطر بر این اثر به زبان انگلیسی می‌دهد و عنوان می‌کند که

1 - Schaeder, Hans Heinrich. «War Daqiqi Eoroastrier?», in: *Festschrift Georg Jacob*, Leipzig: 1932, S. 288 - 303.

همچنین: «مقدمه دکتر محمدجواد شریعت» بر دیوان دقیقی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳، ص ۷ - ۱۰.

۲- ولف، فریتس. فرهنگ شاهنامه فردوسی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.

این اثر اساس کار او در ترجمه کتاب است.

همان گونه که پیشتر نیز گفته شد، حکایت رستم برای آلمانی زبانها چندان بیگانه نیست، زیرا چندین ترجمه از آن صورت پذیرفته که سرآمد آنها ترجمه‌های فریدریش روکرت (۱۸۳۸)<sup>۱</sup> و آدلف فریدریش فون شاک (۱۸۷۷ - ۱۸۹۴)<sup>۲</sup> است. در همین پی‌گفتار الرس با ارایه نمونه‌ای از ترجمه این دو مترجم به مقایسه کار آنها می‌پردازد و چنین نتیجه می‌گیرد که در ترجمه روکرت اصل امانت‌داری بیشتر رعایت شده است، ولی از جنبه وزن شعری این ترجمه با اصل اثر مطابقت ندارد. سالها قبل از الرس، کورت هانزن نیز به بررسی ترجمه روکرت می‌پردازد و می‌گوید: «منظومه ۱ و [روکرت] جنبه‌ای رومانیک میهن‌پرستانه به خود می‌گیرد که با ویژگیهای نمونه اصلی وی مطابقت ندارد»<sup>۳</sup>.

در پی گفتار همچنین مباحثی همچون وزن و قالب شعری شاهنامه، زبان و سبک و ویژگیهای موضوعی و محتوایی اثر و تفاوت بین تاریخ و افسانه مطرح می‌شود. در هر حال با توجه به آثار قبلی الرس در زمینه شاهنامه<sup>۴</sup> بی‌شک این کتاب گام مثبتی در معرفی دوباره این شاهکار حماسی و جهانی است.



1 - *Rostem und Sohrab*. eine Heldengeschichte in 12 Bandern von Friedrich Rückert. Erlangen: 1938.

2 - Schack, Adolf F. Graf von: *Heldensagen des Firdusi*. Berlin: 1853.

۳- هانزن، کورت هاینریش. شاهنامه فردوسی، ساختار قالب. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران. نشر فرزاد، ۱۳۷۴، ص ۲۳۸.

۴- اثر اول رساله دکتری آقای الرس است:

Ehlers, Jürgen. *Die Natur in der Bildersprache des Shahname*. Wiesbaden: Reichert Verlag, 1995.

ders. *Mit goldenem Siegel, über Briefe, Schreiber und Boten in Shahname*, 2000.